

مروری بر تجربه مطالعات مکان‌یابی میدان‌های پیاده و میدان‌گاه تجریش

## تجریش؛ زیبا، فرتوت، در دامن بازار

«اهالی»: در مدیریت شهری دوره پنجم تهران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) موضوع طراحی ۲۲ میدان‌گاه در طرح مناطق ۲۲گانه شهر تهران در دستور کار قرار گرفت و بخشی از این پروژه شهری به مرحله اجرا رسید. موضوع ابتدا از سوی کمیته معماری و طرح‌های شهری مطرح شد و سال ۱۳۹۷ به درخواست رئیس این کمیته، مأموریتی از سوی شورای اسلامی شهر تهران به مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران برای مطالعه این موضوع محول شد. این مرکز پس از بررسی‌های مقدماتی فراخوانی را به منظور انتخاب مشاور، منتشر کرد و طی این فراخوان، دانشگاه تربیت مدرس به عنوان مشاور، انجام مطالعات تدوین مبانی نظری و مکان‌یابی میدان‌گاه‌های پیاده در مناطق ۲۲گانه در عرصه‌های دارای ظرفیت بالقوه در شهر تهران را برعهده گرفت. به موازات، در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه شهر تهران (۱۴۰۲-۱۳۹۸)، در ماده ۴۸ که به «توسعه عرصه‌های عمومی و فضاهای باز همگانی پیاده‌محور در راستای ارتقای زیست‌پذیری» اختصاص داشت، شهرداری تهران مکلف شد «مکان‌یابی و احداث حداقل یک میدان‌گاه پیاده در هر یک از مناطق ۲۲گانه در عرصه‌های دارای ظرفیت بالقوه با استفاده از مشارکت شهروندان (بند ۲ ماده ۴۸)» در دستور کار قرار دهد. بر مبنای این برنامه، بودجه لازم در ردیف‌های بودجه سالانه شهرداری تعیین شد و مأموریت انجام این کار براساس مصوبه بودجه، به معاونت فنی و عمرانی (سازمان مشاور فنی مهندسی)، سازمان نوسازی شهر تهران و برخی از مناطق محول شد. از جمله پروژه‌های انجام شده براساس این فرآیند، میدان‌گاه تجریش است که در این شماره مورد توجه قرار گرفته است.

اینجا همه چیز از زیبایی و سرزندگی یکی از تاریخی‌ترین بخش‌های تهران بود؛ اما در پروژه دوم یعنی ایمنی محدوده بازار تجریش، به لایه‌های پنهان آسیب‌های موجود در این فضا رسیدیم. این پروژه که اخیراً در حال انجامش هستیم، به ما فهماند که این زیبایی سرزنده با چه مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ معضلاتی که ممکن است هر آن تاریخ تجریش را دود کند و به هوا ببرد. اما این مشکلات چیست؟ در پشت این بازار پر رنگ و لعاب، در کنار آستان امام‌زاده و میدان‌گاه تجریش و در دل کوچه زغالی‌ای معروف، سال‌هاست یک نیسان پر از کپسول گاز در کنار خانه صاحب خود که اتفاقاً در همان خانه، گاز کپسول‌ها پر می‌شود، وجود دارد؛ یک بمب بالقوه.

پاساژهایی که هرگز به مقوله امنیت خود فکر نکردند و حالا هرکدام می‌توانند یک پلاسکوئی دیگر برای تهران رقم بزنند. بازاری که با آن همه جذابیت هیچ‌گونه تجهیزات مقابله با بحران ندارد و به وقت بحران جوانان قطار وحشت است. فرض کنید در میان این بازار در حال خرید هستید که به یک باره حریق در آن رخ می‌دهد. به دلیل ارتباط سقف بازار با مغازه‌ها در کمترین زمان ممکن آتش به کل بازار خواهد رسید. حال شما هستید و راه‌هایی باریک و بعضاً مسدود در میان ازدحام جمعیت، جماعتی که معمولاً آشنایی خاصی با مواجهه در بحران‌ها ندارند. چه فاجعه‌ای رخ خواهد داد؟ جدا چه فاجعه‌ای... آیا می‌دانیم که هنوز سقف دو تکیه بازار و بیشتر ابنیه آن محدوده چوبی است؟ می‌دانیم که ساخت پاساژهای بی‌رویه در جوار بازار خیلی از ورودی‌های آن را مسدود کرده است؟ چه فاجعه‌ای در پیش است چه فاجعه‌ای...

از پس این پروژه به تجریش که می‌روم با دو عینک به آن نگاه می‌کنم؛ یکی از دید حظ بردن از درهم‌تنیدگی بازار، مردم و شهر و دیگری ترس از وقوع یک حریق بزرگ. در همین میان که به مشکلات این زیبایی سرزنده می‌اندیشم، متوجه شدم که شهرداری تهران قرار است تا همین محدوده یعنی خیابان شهرداری حذفاضل میدان تجریش با میدان قدس را به عنوان پهنه T یا پهنه حمل‌ونقل در نظر بگیرند. نکته مهم این است که پهنه T در نظر گرفتن یک محدوده، مزایا و معایبی برای آن دارد. معمولاً پهنه‌های T به دلیل وجود یک ایستگاه حمل‌ونقلی یعنی ایستگاه مترو و تجمع کسب‌وکار امکان افزایش تراکم ساخت‌وساز در تجاری-اداری را فراهم می‌کند. در واقع این پهنه‌ها نوعی پهنه کسب‌وکار هستند که الزام وجودی آنها حمل‌ونقل است. تا به اینجا هم خیابان شهرداری و میدان تجریش پهنه کسب‌وکار است و هم ایستگاه مترو در مجاورتش. اما آنچه نگرانی بسیار زیادی درست می‌کند، همین حمل‌ونقل است. میدان تجریش و خیابان شهرداری همین‌طور شلوغ هستند. بارها تلاش شده تا کاری برای این خیابان انجام شود. پیاده‌شود، سواره به زیر برود، پیاده به زیر برود، از جای دیگری مسیر امتداد یابد، اما نشد که نشد. اکنون چطور می‌توان بدون توجه به این مهم تراکم بالا برای واحدهای تجاری-اداری در نظر گرفت و اجازه ساخت مراکز خرید بیشتر در محدوده‌ای که اشباع از فضای فروش است، داد؟ نشود که باز اول تراکم بفروشیم بعد تازه به فکر حل کردن مشکل ترافیک باشیم؟ نشود که اول تراکم بفروشیم و ساده بگیریم و بعد تازه به فکر حل مشکلات ایمنی شویم؟ و باز نشود که بی‌رویه تراکم بفروشیم و همین‌اندک واشدگاه‌ها و تنفس‌گاه‌های شهر را هم نابود کنیم؟ آیا به این‌ها اندیشیدیم؟

اینها همه، مواجهه با اصطلاح فنی من با تجریش است؛ با این زیبایی سرزنده و فرتوت ترسناک که شاید در دام بازار بیفتد.

شاخص‌ها داشتن قابلیت اجرایی بود. از این‌رو کوشیدیم تا عرصه‌های منتخب با حداقل مداخلات ترافیکی و کالبدی محقق شود. شاخص بعدی عدم تداخل با ریتم زندگی شهری در محدوده است؛ یعنی فضای پیشنهادی نه‌تنها آسیبی به زیست شهری شهروندان نزند بلکه بر پایه حضور بالقوه مردم انتخاب شود.

پیشنهاد ما برای توسعه در این فضا، از آنجایی که در محدوده میدان تجریش و مشخصاً ضلع جنوبی محور شهرداری به‌طور معمول میزان دست‌فروشان است، می‌تواند ایجاد بازارچه‌ها باشد. افزون بر این به دلیل تراکم بالای سواره و پیاده در میدان، این فضا نیاز به واشدگاهی به عنوان تنفس‌گاه محدوده دارد تا شهروندان زمانی به دور از این ازدحام وقت بگذرانند. در کنار این دو راهبرد، ایجاد بستری منعطف به منظور استفاده گروه‌های مختلف شهروندان و برگزاری رویداد می‌تواند به جذابیت این فضا کمک کند. در ادامه اهداف این فضا ارائه شده است:

- ایجاد لبه مناسب برای مکت در میدان تجریش
  - ایجاد بستر مناسب کاربری‌های POP
  - ایجاد بستر مناسب حضور گروه‌های موسیقی
  - امکان استفاده از منظر کانال تجریش و بهسازی ترانسه‌ها به منظور ایجاد یک فضای طبیعی در دل میدان
  - ایجاد فضای مناسب بازارچه فصلی با توجه به ماهیت تجاری میدان
  - ایجاد عرصه مناسب برای برگزاری رویداد
- شاید از نیکبختی تجریش، ما و شهر تهران بود که به دلیل حضور سرمایه‌گذار خصوصی، امکان ساخت میدان‌گاه تجریش فراهم شد. البته هنگام ساخت این میدان‌گاه، به جای شروع ساخت از مجاورت میدان، ابتدا بخش جنوبی این فضا بدون اتصال به میدان مورد ساخت و بهره‌برداری گرفت. اگرچه در طرح طراح، تمام این فضا به صورت یکپارچه طراحی شده است. بی‌شک ساخت این فضا هم برای خود ماجراهایی داشته، اما به هر رو این فضا مورد ساخت و بهره‌برداری مردم قرار گرفت. تا به

کوروش آصف‌وزیری  
معمار و شهرساز



ماجرای مواجهه من در حرفه شهرسازی با تجریش برمی‌گردد به داستان پروژه مکان‌یابی میدان‌گاه‌های پیاده شهر تهران. این پروژه که از معدود کارهای پژوهشی شهرداری تهران بود که توانست وارد عرصه اجرا شود، همان‌طور که از نامش پیداست قرار بود میدان‌گاه‌ها با به تعبیری پلازاهای شهر تهران و در اصل مکان‌های مستعد تبدیل شدن به میدان‌گاه در مقیاس شهری و منطقه‌ای را شناسایی کند. در این مواجهه، با پدیده جذاب میدان تجریش روبه‌رو شدیم. میدان تجریش به دلیل قرارگیری در استخوان‌بندی و ساختار فضایی اصلی شهر تهران، در مسیر حرکت روزانه حجم زیادی از شهروندان قرار داشت. این میدان به واسطه خیابان شهرداری در ارتباط با میدان قدس بوده که در مجاورت این محور بازار تجریش و مراکز تجاری منتهی به آن بازار قرار دارد. از سوی دیگر میدان تجریش از لحاظ سواره نیز همپیوند با میدان دربند و مراکز تجاری آن محور و محدوده پارکوی در تقاطع با خیابان ولیعصر است. از دیگر نقاط همپیوند با میدان تجریش، محدوده باغ فردوس بوده که امروزه به عنوان یک فضای عمومی مورد اقبال عمومی است. اما آنچه تجریش را از دیگر نقاط هم‌شکل در شهر متمایز می‌کند، منظر تاریخی-هوتلی است؛ مجاورت با حرم امام‌زاده صالح، نزدیکی به محدوده کاخ سعیدآباد و درهم‌تنیدگی با بازار تاریخی تجریش. این محدوده که از نقاط حاضر در خاطره جمعی شهروندان تهران بوده، در زمان‌های متعددی همچون «سفر شب» بهمن شعله‌ور نیز به عنوان نقطه کانونی حضور داشته است. از این‌رو میدان تجریش یکی از نقاط خاطره‌انگیز و بخشی از هویت شهر و شهروندان تهرانی است.

در پژوهش مکان‌یابی فضاهای مستعد میدان‌گاه یکی از مهم‌ترین

